

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۵

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی

سال هفتم، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۹۷

مهدویت و نگرش متفاوت نسبت به جامعه آرمانی

راضیه علی اکبری^۱

چکیده

جامعه آرمانی، نقش اجتناب ناپذیری در تحقق الگویی هدفمند برای هدایت و سعادت جامعه دارد و به جهت اهمیت آن در تعیین اهداف و انتظارات جامعه، مورد توجه محققان و اندیشمندان بسیاری قرار گرفته و هر کدام نگرش خود را پیرامون آن مطرح نموده اند. در این میان، طرح جامعه آرمانی مهدوی، در صورتی می تواند در تبیین وضعیت آینده جهان، ایده ای اثرگذار و به عنوان الگویی برای دیگر ملت ها ارائه دهد که نگرشی متفاوت با شاخصه های مطلوب و قابل تحقق داشته باشد. از این رو بررسی نگرش متفاوت نسبت به جامعه آرمانی با منشأ و حیانی و به دور از توهّم و خیال، ضروری به نظر می رسد. در این راستا پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، به نقد و بررسی مهم ترین دیدگاه های مطرح پیرامون آرمان شهر و همچنین تبیین نگرش متفاوت اسلام نسبت به جامعه آرمانی مهدوی پرداخته است. طبق اندیشه اسلام نسبت به جامعه آرمانی مهدوی، همه چیز به سمت کمال مطلق در حرکت بوده و برای تحقق «عدالت، امنیت و پیشرفت علمی» که از مهم ترین شاخصه های این جامعه آرمانی است، دو شرط اصلی «وجود حاکم الهی و هدف هدایت گستری» باید محقق شود؛ که این دو شرط، نگرش متفاوت اسلام نسبت به تمام نگرش های

۱. دکترای کلام اسلامی و استاد دانشگاه شهاب دانش قم (aliakbari.qom@gmail.com).

موجود پیرامون جامعه آرمانی بوده و در صورت تحقق آن، جامعه، «آرمانی» خواهد شد.

واژگان کلیدی:

امام زمان، مهدویت، جامعه آرمانی، حاکم الهی، هدایت‌گستری.

مقدمه

شکل‌گیری جامعه مطلوب، از آرمان‌های دیرین بشر است. جامعه‌ای سرشار از عدالت و آرامش که کرامت انسان در آن تأمین شود و همه اعضایش در مسیر رشد مادی و معنوی به دور از خطا و لغزش گام بردارند. اندیشه طرح چنین جامعه‌ای ذهن متفکران و مصلحان بسیاری را به خود مشغول داشته و هریک به فراخور آگاهی و سلیقه خویش، نگرشی نسبت به آن دارند. برخی از جوامع آرمانی که تاکنون توسط مکاتب بشری پیشنهاد شده‌اند به دلیل وجود مبانی سکولار، عدم توجه به سطوح مختلف گستره روابط انسان در جامعه آرمانی و به دلیل داشتن منشأ غیر الهی، انسان را در طول تاریخ نتوانستند به سر منزل مقصود برسانند. در این میان، ترسیم جامعه‌ای مطلوب که با منشأ و حیانی، قابل تحقق باشد و بتواند تمام نهادهای اصلی جامعه و مناسبات موجود میان آنها را تحت پوشش قرار دهد، ضروری به نظر می‌رسد. اسلام به عنوان کامل‌ترین دین، تنها به دنبال ساختن «فرد دین دار» نیست، بلکه ساختن «جامعه دیندار» نیز جزء اهداف اسلام است؛ جامعه‌ای که روابط اجتماعی آن بر اساس اهداف و احکام دین سامان گیرد؛ جامعه‌ای ارزشمند که در آن سعادت فرد با سعادت جامعه پیوند خورده و میان مسئولیت‌های اجتماعی مبتنی بر مبانی دینی ارتباطی قوی و غیرقابل انفکاک ایجاد شده باشد.

آموزه‌های دینی و منابع وحیانی که انسان را به عنوان خلیفه الهی در عالم هستی معرفی می‌کند، زمینه را برای تحقق جامعه آرمانی فراهم می‌نماید. مسئله مهدویت، ناظر به جامعه‌ای آرمانی است که همه پیامبران، در تمامی ادیان و شرایع الهی، وعده آن را به بشر داده‌اند. جامعه موعودی که بر محور ولایت ولی حق و انسان معصومی که دارای همه کمالات است، شکل می‌گیرد.

شکوفایی علمی و عقلانی، رفاه اقتصادی و عدالت‌گستری در اوج بهره‌وری انسان از معنویت و اخلاق؛ از بارزترین شاخصه‌های مدینه فاضله موعود اسلامی است که تحت قیادت رهبری صالح و آسمانی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه تحقق می‌یابد و او همان کسی که آخرین حلقه اتصال

این آیه شریفه است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾
او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراحت داشته باشند (توبه: ۳۳).

ابوبصیر از امام صادق ع در تفسیر آیه شریفه فوق نقل می‌کند که فرمود:

به خدا سوگند تاویل آیه هنوز تحقق نیافته و نخواهد یافت تا آن زمان که قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف خروج کند (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۴۰۷).

ذکر این نکته لازم است که باور به آموزه «مهدویت» اختصاصی به جامعه مکتب تشیع ندارد، بلکه در تمام ادیان جهان و مذاهب اسلامی مطرح می‌باشد و موضوع جامعه آرمانی مهدوی، پیش از آن که عقیده‌ای متعلق به شیعیان باشد، موضوعی اسلامی است. به اجمال می‌توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق علمای اهل سنت در معتبرترین کتب خویش به موضوع مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و همه جزئیات آن اشاره کرده‌اند، ضمن آن که در انتساب آن حضرت به پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز شکی وجود ندارد. برای نمونه راویان اولیه اهل سنت (محمد بن اسماعیل بخاری، مسلم بن حجاج نیشابوری، ابن ماجه قزوینی، ابوداود سیستانی و ترمذی که همگی در قرن سوم ۲۵۶ تا ۲۹۷ ق درگذشته‌اند) روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را نقل کرده‌اند (دوانی، ۱۳۵۳: ۳۸). اندیشه تشکیل مدینه فاضله و اجرای این ایده عمومی و انسانی بوسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، اندیشه‌ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی (با تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی) بدان مؤمن و معتقدند (مطهری، ۱۳۹۱: ۵).

انتظار فرج، انتظار همین جامعه آرمانی است که غالباً با ظهور حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف قرین است و در احادیث برادران اهل سنت و شیعه به عنوان برترین عبادت یا بهترین اعمال از آن تعبیر شده است؛ چنان‌چه در سنن ترمذی که مقبولیت عامه دارد، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند:

افضل العبادۃ انتظار الفرج؛

برترین عبادت امت اسلامی در هر عصری و نسلی و در هر زمان و شرایطی انتظار فرج است (ترمذی، ۱۴۲۵: ج ۵، ۵۶۵؛ آلوسی، ۱۴۱۴: ج ۴، ۳۷).

بنابراین موعود اسلام برگرفته شده از امید به آینده‌ای روشن است و آرمانی جمعی دارد و به عبارت دیگر، از سنخ تشخیص سنتی الهی است که پیامبر به وحی دریافته و آن را پیش‌گویی

نموده است (موحدیان عطار، ۱۳۸۸: ۳۰-۳۲). این آرمان شهر براساس نگرش توحیدی و آموزه‌های وحیانی استوار است؛ نگرشی که تمامی مکاتب و اندیشه‌های بشری فاقد آن بوده و توان تحقق واقعی آن را نداشته‌اند. مدینه فاضله مهدوی، متفاوت از تمام جوامع آرمانی ترسیم شده بشری، برخوردار از ایمان و آراسته به فضایل انسانی و آرایه‌های اخلاقی است. هدف اصلی نوشتار پیش رو، تغییر نگرش نسبت به جامعه آرمانی است تا برتری دیدگاه اسلام نسبت به این جامعه روشن گردد؛ که این مهم در دو بخش بررسی می‌شود.

بخش اول: نقد و بررسی برخی از نگرش‌های مطرح پیرامون جامعه آرمانی

برای تغییر نگرش نسبت به جامعه آرمانی، ابتدا باید تصویری از اندیشه «جامعه آرمانی» در قرائت‌های گوناگون آن ارائه نمود تا تعینات گوناگون این اندیشه را بازباییم و سپس به طرح شاخصه‌های جامعه ایده آل پردازیم. از آنجایی که چنین بحث دامنه‌داری از حوصله یک مقاله خارج است، در این مجال تنها به بررسی چند رویکرد اندیشمندان برجسته می‌پردازیم. آرمان شهر، جامعه آرمانی و کاملی است که اهل آن به دور از هرگونه نگرانی و ترس، در شهر خود به کار و زندگی مشغولند (شاه سنی، ۱۳۷۷: ۲۳). تشکیل جامعه آرمانی بدون هیچ گونه ستم و نابرابری و سرشار از رفاه و آبادانی و همچنین دست یافتن همه انسان‌ها به مراتب عالی رشد و کمال در پرتو ظهور منجی موعود، در بسیاری از ادیان الهی و غیر الهی مطرح بوده و پیروان ادیان مختلف همواره در آرزوی تحقق چنین جامعه‌ای روزگار خود را سپری کرده‌اند (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۰: ۸۴). از این رو تحقق چنین جامعه‌ای، به دغدغه بسیاری از فیلسوفان، دانشمندان، سیاستمداران، اقتصاد دانان و حتی رمان نویسان و داستان پردازان جهان تبدیل شده است و در طول تاریخ آثار فراوانی در این زمینه تألیف شده است (روویون، ۱۳۸۵: ۵) که از آن جمله می‌توان به جمهوری، افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ ق. م)؛ شهر خدا، سنت آگوستین (۳۵۴-۴۳۰ م)؛ آرمان شهر (یوتوپیا)، تامس مور (۱۵۳۵-۱۴۷۷ م)؛ آتلانتیس نوین، فرانسیس بیکن (۱۵۶۱-۱۶۲۶ م)؛ شهر آفتاب، توماس وکامپانلا (۱۵۶۸-۱۶۳۹ م)؛ نظریه وحدت جهانی، شارل فوریه (۱۷۷۲-۱۸۳۷ م)؛ آنتی دورینگ، فردریک انگلس (۱۸۲۰-۱۸۹۵ م)؛ بیانیه (مانیفست) حزب کمونیست، کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳ م)؛ جورج اورول (۱۹۰۳-۱۹۵۰ م)؛ دنیای قشنگ نو، آلدوس هاکسلی (۱۸۹۴-۱۹۶۳ م) و... اشاره کرد (مور، ۱۳۶۷: ۵۸؛ عارف حسینی، ۱۳۸۲: ۴۱؛ رادمنش، ۱۳۶۱: ۹۴؛ مانهایم، ۱۳۸۰: ۵۰). در

آموزه‌های اسلامی نیز به موضوع تشکیل جامعه آرمانی توجه شده و به تفصیل در مورد این جامعه که به اعتقاد همه مسلمانان به دست مردی از فرزندان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و از نسل فاطمه زهرا علیها السلام تحقق می‌یابد، گفتگو شده است. جامعه آرمانی اسلامی، همان جامعه مهدوی است که با ظهور امام دوازدهم شیعیان در گستره‌ای به وسعت همه جهان تشکیل می‌شود و همه جهانیان را صرف نظر از رنگ، نژاد و ملیت از برکات خود بهره مند می‌سازد.

برای بررسی نگرش متفاوت اسلام نسبت به جامعه آرمانی، لازم است دیدگاه برخی اندیشمندان در این زمینه بیان شود؛ برای نمونه جامعه مطلوب از دیدگاه ماکیاوولی به جامعه‌ای گفته می‌شود که در آن قدرت، آزادی، افتخار و شهرت، امنیت و رفاه و آسایش دنیوی حاکم باشد (ردهد، ۱۳۷۳: ۱۳۱).

جامعه آرمانی از دیدگاه توماس هابز، جامعه‌ای است که در آن صلح، امنیت و رفاه مادی و از لحاظ دنیوی دارای نعمت‌های فراوان می‌باشد. از دیدگاه او مراد از امنیت، فقط حفظ جان نیست، بلکه نعمت دیگر نیز هست که آدمیان می‌توانند به واسطه کار و کوشش قانونی خود و بدون ایجاد نظر یا ضرر برای دولت به دست آورند (هابز، ۱۳۸۰: ۳۰۱).

مدینه فاضله از دیدگاه افلاطون، جامعه‌ای است که در آن خرد، دانش، فضیلت و عدالت حکمروایی داشته باشد. او درباره طبع اجتماعی این شهرانسان می‌گوید:

علت احداث شهر این است که هیچ فردی برای خود کافی نیست، بلکه به بسیاری از چیزها نیازمند است (افلاطون، ۱۳۶۰: ۱۱).

در بررسی تاریخی این دیدگاه‌ها، مثلاً در جامعه آرمانی افلاطون، وی با طرح بحث خود می‌خواست اوضاع سیاسی - اجتماعی آن دوران را سامان بخشد و برای همین فیلسوفان را پیش کشید. به شواهد تاریخی و تصریح خود افلاطون در کتب و محاورات خود، نظر اصلاحی او مربوط به یونان به ویژه آتن بود. او قائل به تماس بین دولت‌ها نبود؛ در حالی که مدینه فاضله اسلام با برنامه‌های اصلاحی خود به کل جهان نظر می‌افکند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مُخْلِصٌ لِلْغُلَامِ الْيَسَارَةِ﴾

طبق دیدگاه افلاطون، مداخله در کار دیگران ممنوع است. وی با طبقه‌بندی جامعه، بسیاری از زمینه‌های عدالت واقعی را از بین برده است. در حالی که در جامعه آرمانی اسلام، از هر لحاظ عدالت تحقق یافته و برای همگان، زمینه پیشرفت و کمال به دست خواهد آمد و خبری از طبقاتی شدن نخواهد بود. در مدینه فاضله او، حاکم علی‌رغم تمهیدات فراوان

فیلسوفان اند که در جای خود دچار خطایند و هیچ گونه اتصالی به عالم بالا ندارند؛ اما در مدینه فاضله اسلام «حاکم»، همان ادامه‌دهنده راه پیامبران الهی است؛ پیامبرانی که از ویژگی‌های برتر آنان عصمت و بهره‌گیری از علم الهی است. در مدینه فاضله افلاطون خبری از گستردگی نیست، اما جامعه مطلوب اسلام، پیام‌آور جهانی بودن، پیشرفت در علم و صنعت، تکامل عقول بشری، گسترش عدالت در تمام زمینه‌ها، گسترش صلح و امنیت جهانی و... می‌باشد.

برتراند راسل می‌گوید:

از آن‌جا که در جامعه مطلوب افلاطون، هیچ کس پدر قانونی ندارد، پس وظیفه هر فرد را باید دولت مشخص کند؛ زیرا فرد، خانواده و والدینی ندارد تا از طریق آنان، به وظایف خود آشنا شود. ولی آیا به راستی در این صورت، چیزی از ابداع، نوآوری و آزادی در چنین شهری هم باقی خواهد ماند؟ و این که آیا چنین شهری آرمانی، مصداق همان یتیم‌خانه نیست؟ (راسل، ۱۳۶۵: ۱۷۱).

وجود نواقصی در نظریه افلاطون، سبب شد بلافاصله پس از وی، ارسطو نیک‌شهر افلاطون را در آثار خویش به نقد بکشد (طاهری، ۱۳۷۴: ۲۲). البته جامعه آرمانی ارسطو نیز نواقصی دارد؛ از جمله این که رسماً در بخش‌هایی از کتاب سیاست خود به بحث برده‌داری می‌پردازد. (ارسطو، ۱۳۵۸: بخش ۲، ۷-۱۶).

از دیدگاه نویسنده، با وجود مشترکات فراوانی که بین مدینه‌های فاضله مطرح شده و جامعه آرمانی اسلام وجود دارد؛ از جمله قدم برداشتن در اخلاق و سیاست که منطبق با رهنمودهای اسلامی است؛ تفاوت‌هایی در نگرش نسبت به جامعه آرمانی وجود دارد. برای نمونه مطابق نظر فارابی، اهالی مدینه باید از رئیس اول، بی‌چون و چرا اطاعت کنند. این نوعی استبداد است که در جامعه آرمانی اسلامی وجود ندارد، زیرا بنای اسلام این است که در جامعه، مردم با حاکمان در ارتباط و مشورت باشند و در صورت لزوم حق اعتراض داشته باشند. طبق نظر فارابی افراد مدینه، خادم رئیس اند، اما در مدینه فاضله اسلامی همه در برابر خداوند و قوانین الهی برابرند، حاکم در مدینه فاضله اسلام، امیرمؤمنان است نه امیر عباد.

نیاز به جامعه، قانون و حکومت از دیدگاه ماکیاول و توماس هابز بر مبنای سرشت و طبیعت بد انسان مبتنی است. هابز انسان را با طبیعتی بد و ماکیاولی او را مغرور معرفی می‌کند، اما یکی از مبانی جامعه آرمانی اسلام، این است که سرشت انسان‌ها پاک، و ایشان محترم و

ارزشمندند. انسان از بسیاری از مخلوقات، برتر و دارای فطرت الهی خدا آگاه می‌باشد. از نظر هابز و ماکیاولی هدف اجتماع، قانون و حکومت برطرف کردن نیازهای دنیوی و مادی است، در حالی که در جامعه آرمانی اسلام، «سعادت اخروی» مراد اصلح است. طبق نظر ماکیاولی و هابز، حاکم و دولت فوق قانون هستند، اما در مدینه فاضله اسلام، همه مردم و حاکمان در قبال قانون الهی یکسان هستند. (ماکیاولی، ۱۳۸۸: ۳۳).

جدایی دین و سیاست در جامعه مطلوب مکتب‌های غربی آشکار است؛ هرچند ماکیاول استفاده از دین را در هدف حکومت لازم و ضروری می‌داند و آن نه به خاطر خود دین، بلکه به خاطر هدفی است که حکومت دنبال می‌کند؛ این در حالی است که در مدینه فاضله اسلام، دین از سیاست جدا نیست و اصلی است که نه موجب تفرقه، بلکه وسیله اتحاد و برادری است. حکومت از نظر ماکیاول، جمهوری است، البته در جامعه‌ای که فساد و هرج و مرج نباشد. او اعتقاد دارد در کشوری که مردمانش به مساوات دلبستگی دارند، باید دولت جمهوری بنیاد نهاد و آنجایی که مساوات ندارد، دولت پادشاهی و گرنه دولت تأسیس یافته، نسبت درستی نخواهد داشت و دوام نخواهد یافت (ماکیاولی، ۱۳۸۸: ۳۳).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت جامعه مطلوب این اندیشمندان هیچ شرطی برای حاکم قایل نیست. اما حاکم در جامعه آرمانی اسلام کسی است که از طرف خداوند عالم، به این مقام و قدرت منصوب شده است و دارای ویژگی‌هایی همچون اعلم بودن، معصوم بودن، منصوص بودن و کامل بودن است.

در این جا سؤال اساسی در نگرش مکاتب بشری نسبت به جامعه آرمانی این است که آیا این تصورات و دیدگاه‌ها، به وقوع پیوسته و می‌تواند بپیوندد؟ پاسخ این سؤال منفی است؛ اما بنابر حکم عقل، نقل و وعده الهی، جامعه آرمانی مهدوی، روزگاری صرفاً خیالی نیست؛ دورانی است که بشریت به آرزوی دیرینه‌اش، یعنی عدالت، برابری، آزادی و تکامل، دست می‌یابد و می‌تواند در آیین ظهور، برآورده شدن آرزوی خود را بنگرد؛ چنان‌چه خداوند فرمود:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵).

در این راستا از جمله شرایط اساسی برای رسیدن به اهداف معنوی و تکامل انسان‌ها در جامعه آرمانی، مبارزه با فقر اقتصادی و فراهم آوردن زمینه‌های زندگی آبرومندانه همه انسان‌ها و یک طرح اقتصادی کامل و خودکفا برای سراسر جهان بشری است که این مسئله

یکی از برنامه‌های حکومتی در نیک شهر قدسی می‌باشد. تأکید نظام اسلامی بر عدالت اقتصادی یکی از مشخصه‌های جامعه آرمانی اسلام در مقایسه با جوامع دیگر است. اسلام، عدالت اقتصادی را قائم به دو عنصر می‌داند: ۱. رفاه عمومی؛ ۲. تعدیل اقتصادی (صدر، ۱۴۰۲ق: ۳۰۳). مراد از رفاه عمومی این است که وضعیت اقتصادی جامعه اسلامی به نحوی باشد که تمام افراد جامعه از امکانات زندگی در تمام زمینه‌ها در حد متوسط برخوردار باشند. این مفهوم از «رفاه عمومی» مستلزم «رفع فقر» از جامعه نیز هست؛ (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸: ۵۹).

شکوفایی اقتصادی در زمان حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه به گونه‌ای است که در طول تاریخ، پیشینه‌ای ندارد؛ گویی تمام نیروهای زمینی و آسمانی دست به دست هم می‌دهند تا تمامی ذخیره‌های هستی را آشکار کنند و بهشت بی پایان الهی را در گستردگی نعمت و بخشش بر همگان بنمایانند. خداوند چنین مقدر داشته که آن بهشت زمینی را در دوران شادی بخش آخرین خلیفه اش، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه آشکار سازد (کارگر، ۱۳۸۳: ۷۲). چنان‌چه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

امت من در دوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه، چنان در نعمت غرق شود که بسان آن بهره‌مندی را (در تمام زمان‌ها) ندیده باشد. آسمان پیوسته باران (رحمت) خود را بر ایشان فرو می‌فرستد و چیزی از رویدنی‌های زمین باقی نمی‌ماند، مگر آن‌که بر آنان بربویند. (مقدسی، ۱۴۱۶: ۱۷۰).

این در حالی است که در عصر حاضر، علی‌رغم این که برخی با توجه به فروپاشی بلوک شرق و فراگیری برخی از آموزه‌های لیبرالیسم، چنین پنداشته‌اند که جامعه بشری به روزگار آرمانی خود رسیده است و دم از تئوری «پایان تاریخ» زده‌اند، اما در این جامعه به اصطلاح برتر، جنایت‌های بسیار، به وقوع می‌پیوندد و فاصله طبقاتی، روز به روز بیشتر می‌شود. برای مثال طی دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰، درآمد واقعی ۳۰ درصد فرادستان در ایالات متحده آمریکا، افزایش یافته، در حالی که درآمد ۷۰ درصد فرودستان، افت کرده است. در سال ۱۹۹۱، ۱۰ درصد ثروتمندان جامعه آمریکا، ۸۳/۲ درصد دارایی‌ها را در اختیار داشتند. در عرصه جهانی نیز، این روند بدتر و آشفته‌تر است، زیرا درآمد ۳۵۸ نفر از میلیاردرهای جهان، بیش از مجموع درآمد سالانه ۲/۳ میلیارد نفر از ساکنان کره زمین و یا به عبارت دیگر، ۴۵ درصد فقیرترین جمعیت دنیا بوده است، و ۲۰ درصد از جمعیت جهان در فقر مطلق به سر می‌برند (شولت یان، ۱۳۸۲:

(۵۳). آیا با این وضع می‌توان از رسیدن انسان به جامعه آرمانی دم زد؟

اما در «جامعه مهدوی»، بر عدالت محوری، آرامش، رشد و تکامل همه انسان‌ها و برداشته شدن فاصله غنی و فقیر، تأکید شده است. در روایت آمده است که:

به هنگام ظهور قائم ما، زمین با نور خدایی روشن شود و شما به جستجوی کسانی برمی‌آیید که زکات و صدقه بگیرند و کسی را نمی‌یابید که از شما قبول کند و همه مردم به فضل خداوند بی‌نیاز می‌گردند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲، ۳۳۶)

با توجه به این آموزه‌هاست که اندیشه مهدویت و انتظار در نگرش شیعی، ساحتی کارآمد دارد و مردم به روندی امید می‌بندند که می‌توان با آن، به جامعه برتر دست یافت.

به طور کلی می‌توان گفت جوامع آرمانی معرفی شده بشری، نوعی مدینه انتزاعی ارائه می‌کردند، در حالی که جامعه آرمانی مهدوی چهره‌ای واقعی دارد و در آن مشارکت همگانی وجود دارد؛ چرا که انسان در وجود و بقای آن ناگزیر از مشارکت بوده و مشارکت نیازمند قانون است. قانون‌گذار نیز باید دارای خصوصیتی باشد که دیگران ندارند. (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۳۷۹). این جامعه آرمانی، که سبب صعود انسان به سوی خداست (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۵۶۴)، به رهبری مصلح موعود و با یاری امدادهای الهی به وجود آمده و او اداره آن را در دست خواهد گرفت (کارگر، ۱۳۸۳: ۱۳۹) و به عنوان الگویی واقعی برای سامان بخشی به وضع موجود، می‌تواند حرکت‌های اجتماعی را جهت بخشد. (قوامی، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

در نتیجه بررسی‌های انجام شده پیرامون نگرش‌های موجود نسبت به جامعه آرمانی، می‌توان گفت آن‌چه تمام این طرح‌ها را جنبه غیر عملی، وهمی و پنداری می‌دهد، این است که طراح، غالباً دنیای آینده را بلاواسطه بر روی دنیای حال می‌نهد و مدینه فاسده یا جاهله را بی‌فاصله با مدینه فاضله مربوط می‌کند؛ اما هیچ نمی‌کوشد نشان دهد تحوّل مدینه فاسده به مدینه فاضله از کدام راه تحقق می‌یابد و آن‌چه توالی آن‌ها را سبب تواند شد، کدام است؟ (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۲۳۲ و ۲۳۳)، و این موضوعی است که در ذیل بیان شاخصه‌های جامعه آرمانی مهدوی در آموزه‌های اسلامی مطرح شده است.

بخش دوم: بررسی و تبیین نگرش متفاوت اسلام نسبت به جامعه آرمانی

جامعه آرمانی، شاخصه‌هایی دارد که برخی از آنها به طور مشترک هم از سوی اندیشمندان غربی مطرح شده، و هم در روایات شیعه و اهل سنت مورد اشاره قرار گرفته است؛ از جمله

عدالت‌گستری (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۷، ح ۱۹۴۸۴) رفاه و آسایش همگانی (مقدسی الشافعی، ۱۴۱۶: ۱۹۵) امنیت همه جانبه و عمومی (طبرانی، ۱۳۷۹: ج ۸، ۱۷۹) احساس بی‌نیازی در مردم (ابن حنبل، ۱۴۱۲: ۳، ۳۷)؛ اما اسلام پیرامون جامعه آرمانی مهدوی، دو نگرش متفاوت از سایر نگرش‌های بشری نسبت به جامعه آرمانی دارد که تحقق آنها، زمینه ساز تشکیل جامعه آرمانی است. در ادامه به توضیح این دو نگرش خاص می‌پردازیم.

الف) حاکم الهی

در نگرش‌های موجود درباره جامعه آرمانی، کمتر به بیان ویژگی‌های حاکم این جامعه پرداخته شده؛ یا اگر هم اشاره شده، ویژگی خاصی که متفاوت از سایر افراد باشد و باعث شود حاکم بتواند جامعه‌ای آرمانی سامان دهد، نیست. برای مثال افلاطون فرایند تشکیل جامعه‌ی آرمانی را به قدرت رسیدن «فیلسوف حقیقی» می‌داند؛ کسی که به حقایق شایسته، علم داشته باشد (افلاطون، ۱۳۶۰: ۳۱۹-۳۴۴). بافت «شهر مراد» او را جامعه‌ای طبقاتی تشکیل می‌دهد. در رأس این جامعه، طبقه حاکم قرار دارد که طبقه بافضیلت‌تر و به یک معنی اشراف جامعه است که تفاوت جوهری با سایر طبقات دارد. وی دروغ‌گویی را برای رهبران جامعه جایز می‌داند. البته از دیدگاه او، دروغ مثل دارو است که تجویز آن باید با حکم پزشک باشد:

اگر دروغ گفتن برای کسی مجاز باشد، فقط برای زمامداران شهر است که هر وقت صلاح شهر ایجاب کند، خواه دشمن و خواه اهل شهر را فریب دهد (افلاطون، ۱۳۶۰: ۱۵۲).

همچنین به عقیده توماس هابز، زندگی در وضع طبیعی ناپسند، خشن، مفلوکه، حیوانی و کوتاه خواهد بود. به نظر وی، ما انسان‌ها برای رهایی از این شرایط، با یکدیگر قرارداد می‌بندیم که به منظور حمایت از «حاکمی تام الاختیار» از حق طبیعی خود نسبت به آن چه به دنبال آن هستیم، دست برداریم. توافق می‌کنیم که از فرمان‌های حاکمی که خود، طرف این قرارداد نیست، تبعیت کنیم، فقط به این شرط که این حق را داشته باشیم که هرگاه زندگی مان مستقیماً مورد تهدید قرار گرفت، از یکدیگر حمایت کنیم؛ چه این تهدید از سوی حاکم باشد یا از سوی کسانی باشد که حاکم در برابر آنان، به حمایت از ما تمایل ندارد، یا ناتوان است. بدین ترتیب هم اقتدار حاکم را پایه ریزی می‌کنیم و هم الزام به تبعیت از وی را همزمان تحصیل می‌کنیم. (هورتن، ۱۳۸۴: ۴۸).

آلبرت انیشتین نیز، بر آن بود که ملت‌های جهان از هر نژاد و هر رنگی که باشند، می‌توانند و

باید زیر یک پرچم در صلح و صفا و برابری و برادری زندگی کنند. از دیدگاه وی حکومت‌های گوناگون خواه ناخواه به نابودی بشریت خواهد انجامید. او دو راه برای بشر نشان داد: یا یک حکومت واحد جهانی با «کنترل بین‌المللی انرژی اتمی» تشکیل دهند و یا این که با حکومت‌های ملّی و جداگانه فعلی، به سوی فروپاشی تمدن بشری پیش روند (انیشترین، ۱۳۶۳: ۳۵).

برتراند راسل، دانشمند معروف غرب، نیز قائل است:

اکنون از لحاظ فنی مشکل بزرگی در راه یک «امپراتوری واحد جهانی» وجود ندارد و چون خرابی جنگ بیش از قرن گذشته است، به احتمال زیاد، باید حکومت واحد جهانی را بپذیریم، یا این که به نابودی نژاد انسانی راضی شویم (راسل، ۱۳۵۵: ۵۴ و ۱۱۹).

در دیدگاه اندیشمندان دیگر هم پیرامون جامعه آرمانی، ویژگی‌های خاصی برای حاکم در نظر گرفته نشده که بتواند جامعه را «آرمانی» کند؛ در حالی که در اسلام، حاکم جامعه آرمانی باید دارای سه ویژگی باشد: ۱. علم خدادادی؛ تا بتواند حقایق دین و دنیا را با همه ابعاد و دقایقش بیان کند؛ ۲. عصمت؛ تا تحت تاثیر انگیزه‌های نفسانی و شیطانی واقع نشود، مرتکب تحریف در دین نگردد، بتواند افراد مستعد را به عالی‌ترین مدارج کمال برساند و متصدی حکومت شده، قوانین اجتماعی اسلام را اجرا، حق و عدالت را در جهان گسترش دهد؛ ۳. نصب الهی؛ زیرا خداوند می‌داند چنین علم و ملکه‌ای را به چه کسی اعطاء فرماید و اوست که اصالتاً حق ولایت بر بندگان دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۳۵۴ - ۳۵۳). این شخص از دیدگاه شیعه «امام» است که امتیازات و ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که بقیه مردم، حتی دانشمندان و نخبگان بشری، از آن بی‌بهره‌اند و همین اختصاصات است که او را از همگان ممتاز می‌کند. لذا جامعه آرمانی منحصراً با حضور و حاکمیت او و تبعیت مردم از او، محقق می‌گردد.

یکی از ویژگی‌های جامعه آرمانی، هدایت و تربیتی دائمی و مستمر است، که این امر تاکنون از عهده هیچ جامعه‌ای برنیامده است. زیرا رهبر چنین جامعه آرمانی، خودش نیز باید آرمانی باشد و از همه کمالات انسانی و فضایل اخلاقی برخوردار باشد، سپس این وظیفه را به عهده گیرد تا بتواند جامعه‌ای آرمانی بسازد. از منظر دین اسلام، چنین فردی، امام زمان هر عصری است که می‌تواند ملکوت افراد را با هدایت باطنی خود در کسوت امر الهی به سوی کمال حقیقی و رستگاری، هدایت و ایصال به مطلوب کند و آنان را به سوی زندگی در جامعه‌ای

آرمانی رهنمون گردد. برای مثال جهت برقراری عدالت در یک جامعه آرمانی، وجود حاکم عادل ضروری است. انسان عادل، نخست وصف عدالت را به گونه «حال» پیدا می‌کند و اگر سیر تکاملی را در عدالت ادامه داد، برای او «ملکه عدالت» حاصل می‌شود، و در نهایت، وجود او با عدالت یکی می‌شود و به اصطلاح «فصل مقوم هویت» او به شمار می‌رود. بنابراین او را بدون مبالغه می‌توان «عدل» نامید، تنها این شخص می‌تواند عدالت را در جهان فراگیر کند. (جواد آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۴، ۱۶۳-۱۵۸)؛ که طبق آموزه‌های اسلام، این شخص امام معصوم علیه السلام است و در عصر حاضر «حضرت مهدی علیه السلام»، امام دوازدهم شیعیان می‌باشد که آخرین مصداق این آیه است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراحت داشته باشند. (توبه: ۳۳)

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه نقل می‌کند که فرمود:

به خدا سوگند تأویل آیه هنوز تحقق نیافته و نخواهد یافت تا آن زمان که قائم علیه السلام خروج کند. (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۴۰۷).

عقل نیز با درک این حقیقت که هدف والایی که بشریت به آن چشم دوخته، بدون وجود و حضور پیشوا و رهبری شایسته و دارای صلاحیت، تحقق نمی‌یابد، به اصل ضرورت امام و مصلح پی می‌برد. رهبری که از همه کمالات انسانی و فضایل اخلاقی برخوردار باشد تا بتواند فطرت بشری را سرشار از فضایل سازد. (امامی کاشانی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۸۸-۸۶). بنابراین می‌توان گفت حاکم جامعه آرمانی باید انسانی کامل باشد؛ شخصی که بر اثر قرب فرائض و نوافل و البته فضل و رحمت ویژه خدا، مظهر تمام اسمای حسنا الهی بوده و راهگشای دیگران می‌شود. هدایت او نسبت به دیگران بر مدار اراده و امر خداوند است، به گونه‌ای که فاعل حقیقی خداست و انسان کامل، مظهر و مجرای فیض الهی و هدایت می‌باشد (جواد آملی، ۱۳۸۵: ۳۰۰). این حاکم علاوه بر ارائه طریق، افراد مستعد را به جامعه آرمانی می‌رساند و هر آن که را زمینه خیر و نیکی در او فراهم است، دستگیری می‌کند و به کمال می‌رساند. (سروری مجد، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

بنابراین آرمان شهر اسلامی، جامعه‌ای است که پارسایان در آن به امامت، نه فقط حکومت می‌رسند. بدین ترتیب، بر اثر خداشناسی، خداپرستی، اطاعت کامل و دقیق از اوامر و نواهی

الاهی، کسب رضای خدای متعال و تقرب به درگاه او، جامعه آرمانی اسلام به هدف نهایی خود که استکمال حقیقی انسان هاست، دست می‌یابد؛ و در سایه این کمال انسانی است که آرزوهای همیشگی بشر محقق می‌گردد؛ آرزوهایی همچون حاکمیت کامل عدالت، آزادی و صلح، حکومت جهانی واحد، آبادانی کامل زمین، بلوغ فکری، رفع کامل فساد و جنگ و شرارت، و سازگاری انسان با طبیعت. (مطهری، ۱۳۹۱، ۶۰). جامعه با وجود چنین حاکمی، آرمانی می‌شود و افراد را به آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی می‌رساند و از نابسامانی‌ها و درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار و ظلم و طغیان و هواپرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید و آسمان زندگی را تیره و تار می‌سازد، در امان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ۳۹۰). از این رو است که امام رضا علیه السلام فرمود:

اگر برای مردم، امام و رهبری توانا، امانتدار، نگهبان و پاکدست (عادل) قرار داده نمی‌شد، آیین نابود می‌شد، دین از بین می‌رفت، سنت‌ها و احکام الهی تغییر می‌یافت؛ بدعت‌گزاران بر آن می‌افزودند و ملحدان از آن می‌کاستند و مسلمانان به شبهه دچار می‌شدند... (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۳۲).

در طول تاریخ شیعه، عملکرد امامان علیهم السلام نشان داده است که همواره شخصیت‌های علمی و دینی جهان را مجذوب خود ساخته‌اند و به تسلیم در برابر خود که رهبران الهی‌اند، واداشته‌اند (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۲۰۳). اوضاع سیاسی، اجتماعی زمان امامان معصوم علیهم السلام و برخوردهای حکیمانه و معصومانه آنان که ناشی از ارتباط وحیانی و وابستگی به علم الهی آن حضرات بود، نشان داد که امام باعث وحدت و انسجام مسلمین، حفظ اصل دین و بسط و نشر معارف الهی و تأثیرگذاری بر تاریخ و زندگی بشریت است. بنابراین جامعه آرمانی مهدوی، در عین این که پیش‌بینی یک سلسله تکان‌های شدید و بی‌عدالتی‌هاست، پیش‌بینی یک آینده سعادت بخش و پیروزی کامل عقل بر جهل، توحید بر شرک، ایمان بر شرک، عدل بر ظلم، سعادت بر شقاوت است. (مطهری، ۱۳۸۵: ج ۳، ۳۶۳ و ج ۱۸، ۱۸۱).

ب) هدایت‌گستری

۸۹

هدف نهایی اندیشمندانی که موضوع جامعه آرمانی را مطرح کردند، مسئله عدالت اقتصادی و امنیتی و رفاه است که تماماً مربوط به مادیات و مسائل دنیوی است. اما آنچه جامعه آرمانی اسلام را از دیگر جوامع آرمانی مطرح شده متمایز می‌سازد، نوع جهان‌بینی و ایدئولوژی آن است. قرآن کریم با عنایت ویژه به معنای فرا ملیتی دین، اُمت اسلامی را به

وحدتی الهی با رویکردی توحیدی فرا می‌خواند و یکسانی وحدت را در اوج کثرت، در سرلوحه آموزه‌های دینی قرار می‌دهد. بدین رو قرآن با اتکا به جوهره ایمان به توحید، حس وحدت را به همه جا سرایت می‌دهد و همه اقوام و ملل را زیر لوای وحدت فرا می‌خواند (جان احمدی، ۱۳۸۶: ۶۴) دارا بودن نگرش توحیدی توأم با پایبندی به قوانین اسلامی در سرلوحه ویژگی‌های آرمان شهر دینی قرار دارد.

جامعه آرمانی مدّ نظر قرآن، جامعه‌ای است که در آن، فرصت برای تمام افراد جامعه جهت نیل به هدف اصلی و نهایی خلقت یعنی معرفت و عبودیت الهی فراهم شود:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶).

بنابراین هدف جامعه آرمانی اسلامی، استکمال حقیقی و هدایت انسان‌هاست (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۴۵۶). هدایت، راهنمایی و ارائه قانون سعادت بخش است که در منابع دین (کتاب، سنت و عقل) آمده است و توسط پیامبران به همگان ابلاغ می‌شود و به آن ارائه طریق و نشان دادن راه می‌گویند. هدایت این است که افراد «با سلامت به مقصد برسند»؛ مقصدی که امنیّت دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۵۱).

این نوع هدایت، تنها در جامعه آرمانی مهدوی گسترش می‌یابد؛ زیرا مردم با وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف بر اثر تجربه و بلوغ تاریخی از آمادگی لازم برای تمرکز و تکامل عقول برخوردار می‌شوند و امام رسالت خویش را با تمرکز و تکامل عقول آغاز می‌کند. ابزار جمع و تکمیل عقول، دستان پر توان ولایت است و مفهوم تمرکز و تکامل عقول به جمع شدن عقل فرد فرد انسان‌ها ناظر است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ج ۱، ۵۶۶-۵۶۷). کیفیت جمع و تکامل عقول با تبلیغ و تربیت تدریجی امام میسر است و تأثیر عنایت امام، عادی و طبیعی است، نه از طریق اعجاز (صدر، ۱۴۲۵: ج ۲، ۲۰۶-۲۱۰).

هر اندازه عقل بشر کامل‌تر شود، شناختش به عالم کائنات، اعم از موجودات مادی و مجرد بیش‌تر می‌شود. انسان در سایه این شناخت، هرگونه استقلال را از غیر خدا نفی می‌کند و می‌فهمد که آن‌ها عین نیاز بوده و به وجود مستقلى متكى هستند و با اراده و خلقت خداوند پا به عرصه وجود گذاشته‌اند. به طور طبیعی وقتی انسان به چنین ارتباطی بین کاینات و خالق هستی واقف گردد، معرفت و شناخت او به پروردگار بیش‌تر شده، به او نزدیک و نزدیک‌تر می‌گردد. (حکیمی، ۱۳۸۱: ۱۸۸).

بنابراین می‌توان گفت در جامعه مهدوی، علت هدایت، تکامل عقلی بشر است، که با وجود آن، حق از باطل جدا می‌گردد (دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۹۸) و چون خداوند متعال حق محض است، طبعاً با رشد عقل، نور خدا بیش‌تر نمایان می‌شود. انسان با جلوه‌گری حق، بیش از پیش خدا را احساس کرده و معرفتش به او افزون‌تر می‌گردد که حاصل آن هدایت است. زیرا در جامعه آرمانی، مردم با بهره‌گیری از تربیت حاکم اسلامی و در نتیجه رشد و شکوفایی عقل، توفیق خواهند یافت که تنها خداوند متعال را عبادت کرده و هیچ چیز و هیچ کس را شریک او قرار ندهند (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۷۹)؛ و این به جهت تأثیر مستقیم رشد عقل بر اطاعت‌پذیری است. روی آوردن به عبادت نیز از رهگذر رشد عقل عملی میسر می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۳۳). چنان‌چه امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

عقل‌ترین شما، فرمان‌بردارترین شما از (حق تعالی) است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۱۳).

همچنین حضرت می‌فرماید:

يعطف الهوى على الهدى، اذا عطفوا الهدى، ويعطف الرأى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الرأى.

[حضرت امام زمان (علیه السلام) هواهای نفسانی را به متابعت هدایت الهی باز می‌گرداند، در روزگاری که هدایت الهی را به متابعت هواهای نفسانی درآورده باشند. آراء و اندیشه را تابع قرآن گرداند در روزگاری که قرآن را تابع آراء و اندیشه‌های خود ساخته باشند (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸).]

خلاصه آن‌که در عصر ظهور در سایه تکامل عقل‌ها و محکوم شدن شهوت و غضب و حاکمیت اخلاق، نیت و اقوال و اعمال افراد در مسیر قرب خداوند قرار می‌گیرد؛ همان‌طور که در روایات به از بین رفتن دروغ، غیبت، دزدی، شرب خمر، زنا، ربا، کینه، حسادت و... و پیروزی صلاح و تقوا اشاره شده است (مطهری، ۱۳۷۵: ج ۹، ۳۷۳ و ۳۷۷) و در آیه شریفه ﴿...يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً...﴾ (نور: ۵۵)، وعده گسترش عبودیت خدا در همه عالم داده شده است. چنان‌چه امام رضا (علیه السلام) با استناد به همین آیه می‌فرماید:

و این هنگامی رخ دهد که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز خطی بر جای نماند و حجت خدا بنابر مصلحتی که بر وی آشکار گردد، از دیده‌ها پنهان شود؛ زیرا فتنه چنان در قلب‌ها جای گیرد که حتی نزدیک‌ترین مردمان به وی، سرسخت‌ترین دشمنان حضرت گردند. در این زمان، خدای تعالی با یارانی که هرگز دیده نشده‌اند، به کمک‌ش خواهند شتافت و دین پیامبرش را به دست او بر همه ادیان پیروز خواهد کرد، هر چند که کافران را خوش

نتیجه‌گیری

جامعه آرمانی از دیدگاه اندیشمندان غربی، بیش از آن که رنگی انسانی داشته باشد، چهره‌ای سیاسی یا فلسفی یافته و صرفاً برای حیات دنیوی طراحی شده و از پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی و اخروی بازمانده است. اما جامعه آرمانی در اسلام، افزون بر این که جامعه عدالت، رفاه و امنیت است، جامعه علم، عقلانیت، تربیت، هدایت، عبادت و انسان پروری نیز هست.

بی شک، آرمان انسان برای خواستن یک جامعه ستوده که او را به کمال مطلوب برساند، آرزوی مقدسی است که با قالب‌های آرمان شهر انسانی هرگز نمی‌توان بدان جامه عمل پوشانید. این آرزو از سرشت الهی بشر سرچشمه می‌گیرد و ناگزیر باید از ایده‌ای مقدس که با منبع وحی پیوند دارد، سرشار شده باشد. جامعه‌های آرمانی انسانی که پرداخته ذهن انسان است، نمی‌توانند افراد را از تاریکی‌ها و نادانی‌های اجتماعی نجات دهند. از این جاست که نیاز اساسی انسان به یک نوید، هدف و الگوی آسمانی در جامعه آرمانی روشن می‌شود. این الگو برابر آموزه‌های الهام‌بخش اسلام (که کامل‌ترین ادیان آسمانی است) جز جامعه آرمانی مهدوی نیست. جامعه‌ای که شرح و توصیف آن در بخش‌های بسیاری از قرآن و روایات اسلامی به چشم می‌خورد.

در حقیقت سیر حرکت جامعه بشری طبق برنامه الهی از آدم تا حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده سازی انسان‌ها برای رسیدن به جامعه آرمانی‌ای است که خداوند آن را وعده داده است. سنخ این جامعه آرمانی هم اجتماعی، برپایی عدل و . . . و هم معنوی و اقامه دین است. همچنین نجات بخشی او قوم مدارانه نبوده، بلکه فراگیر و جهان‌شمول است.

در بررسی نگرش‌های موجود نسبت به جامعه آرمانی، به این نکته دست یافتیم که آن‌چه از سوی اندیشمندان غربی درباره جامعه آرمانی بیان شده، صرفاً بر مبنای فهم انسانی و سلیقه‌ای به تصویر ویژگی‌های جامعه آرمانی خود پرداخته و در نهایت طرح‌هایی ناقص ارائه داده‌اند که یا هیچ‌گاه فرصت تحقق نیافتند و یا در عمل، دچار شکست شدند؛ زیرا همه چیز را بر اساس انسان و خواسته‌های او معنا می‌کند؛ ولی همین جوامع، انسان را دچار بحران نموده است؛ چراکه نگاه تک‌بعدی به انسان نموده است و با غفلت از ابعاد معنوی و روحانی وجودی انسان، فقط بعد مادی او را لحاظ کرده است. اما در جامعه آرمانی مهدوی، تمامی ابعاد

وجودی انسان لحاظ می‌شود؛ آن‌جا در عین حال که سخن از رفاه مادی است، بهره‌مندی از غنای روحی و معنوی نیز مهم است و با آمدن او، عقول و خردها به کمال می‌رسد و همین تکامل عقل، موجب پیشرفت معنوی و هدایت می‌شود.

این در حالی است که امروزه، حاکمیت انسان‌های به اصطلاح مدرن، با غالب ساختن خرد ابزاری خویش، عرصه جامعه و سیاست را جولانگاه خواسته‌ها و خواهش‌های خود قرار داده‌اند و در این راستا حکم به جدایی عرصه دین و سیاست نموده‌اند. ثمره چنین تفکیکی بحران معنا در عصر مدرن است که به دلیل تعارض و تضاد آن با ساختار وجودی انسان مشکلات بسیاری را پدید آورده است. از یک سو نفی دین در کل موجب نقصان هویت وجودی انسان عصر جدید می‌گردد و از سوی دیگر حکم به تفکیک دین و سیاست، به رغم پذیرش دین در عرصه خصوصی، موجب تضاد درونی هویت انسان مدرن می‌شود. اما بر خلاف جوامع آرمانی غرب، از منظر اسلام جامعه آرمانی مهدوی، با زمینه سازی سعادت نهایی انسان‌ها، یک نظام توحیدی به رهبری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه التریف در جهان محقق می‌شود و با هدایت و اجرای احکام الهی در عرصه فردی و اجتماعی جامعه به سوی سعادت رهنمون می‌گردد. از این رو می‌توان گفت مهم‌ترین شاخصه متفاوت جامعه آرمانی مهدوی از سایر جوامع آرمانی مطرح در دنیا، تاکید بر «حاکم الهی» و «هدایت گسترده» می‌باشد.

بنابراین در بررسی نگرش متفاوت نسبت به جامعه آرمانی، در نظر داشتن سه نکته حائز اهمیت است:

اول: این که طرح جامعه آرمانی بایستی کاملاً واقع بینانه باشد؛ و حاکم این جامعه از همه برتر باشد؛

دوم: این که با ارائه طریق و هدفمندی همراه باشد؛ یعنی فقط جامعه آرمانی را تصویر نکند، بلکه راه و روش رسیدن به آن را نیز نشان دهد؛

و سوم: این که طراح جامعه آرمانی، اهدافی را، برای جامعه آرمانی تعیین کند که دارای مراتب باشند تا سهل الحصول تر بودن پاره‌ای از مراتب آنها، اراده را در مردم برانگیزد و آن‌ها را به مبارزات اجتماعی و تغییر اوضاع و احوال موجود، مایل و راغب گرداند.

آن چه جامعه آرمانی مهدوی را از سایر طرح‌ها متمایز می‌سازد، برخورداری از نوعی جهان بینی و ایدئولوژی جامع و کامل است که با فطرت انسان‌ها هماهنگ است. تئوری مهدویت، پس از آن که همه نظام‌ها و رژیم‌های سیاسی جهان، امتحان خودشان را داده باشند

و ناتوانی بشر در اداره جهان آشکار شده و ناکارآمدی تئوری‌های حاکم بر جهان به اثبات رسیده باشد؛ به عنوان آخرین و محکم‌ترین تئوری در تاریخ تمدن بشر رخ می‌نماید و بشر تشنه عدالت و مدیریت صالح و سالم را اداره می‌کند.

نکته پایانی این که انسان، نباید این نیک شهر را تنها به عنوان یک اعتقاد محض بداند که باید در انتظارش نشست تا خود به خود زمانش فرا رسد بلکه این طرح باید به عنوان یک الگوی عملی و نیز هدفی دانسته شود که بایستی برای فراهم شدن به آن کوشید. انسان برای عملی شدن جامعه آرمانی امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه التشریف وظایفی دارد که در صورت نادیده گرفتن آن‌ها، آرزوی تنها، او را به جایی نمی‌رساند. از این رو، همگان باید خود را در برابر ظهور امام موعود عجل‌الله تعالی فرجه التشریف و عملی شدن نیک شهر قدسی به دست آن حضرت، مسئول بدانند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکنند؛ یعنی انتظار باید انتظاری پویا و سازنده باشد. به امید روزی که این امید با برپایی «جامعه آرمانی» امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه التشریف محقق گردد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن ابی شیبہ، عبدالله ابن محمد (۱۴۰۹)، *المصنف فی الاحادیث والآثار*، تحقیق: سعید محمد اللحام، بیروت: دارالفکر.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۱۲ق)، *مسند*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ارسطو، (۱۳۵۸)، *سیاست*، مترجم: حمید عنایت، تهران، آموزش انقلاب اسلامی.
- افلاطون (۱۳۶۰)، *جمهور*، مترجم: فؤاد روحانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۴)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الفکر.
- امامی کاشانی، محمد (۱۳۸۷)، *خط امان*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- انیشتین، آلبرت (۱۳۶۳)، *مفهوم نسبیت*، ترجمه اکبر تبریزی، تهران، نشر پیک.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- پاکتچی، احمد، (۱۳۹۲)، *جستاری در ادعیه رضویه (الصحیفه الرضویه الجامعه)*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و بنیاد امام رضا (ع).
- ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۲۵ق)، *الجامع الصحیح معروف به سنن ترمذی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جان احمدی، فاطمه، (۱۳۸۶)، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، تحقیق: واعظی، احمد، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *تفسیر موضوعی قرآن*، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، *هدایت در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، *مفاتیح الحیاه*، قم، مرکز نشر اسراء.
- حکیمی، محمد (۱۳۸۱)، *عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- دوانی، علی، (۱۳۵۳) *دانشمندان عاقله و مهدی موعود*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، *ارشاد القلوب*، قم، الشریف الرضی.
- رادمنش، عزت الله (۱۳۶۱)، *جامعه شناسی اتوپیا*، تهران، امیر کبیر.

- راسل، برتراند (۱۳۶۵)، *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه نجف دریابندری، تهران، پرواز.
- راسل، برتراند، (۱۳۵۵)، *تأثیر علوم بر اجتماع*، ترجمه: مهدی افشاری، تهران، نشر زرین.
- ردهد، برایان، (۱۳۷۳)، *اندیشه سیاسی از افلاطون تا ناتو*، مترجم: مرتضی کافی، اکبر افسری، تهران: آگاه.
- روویون، فردریک، (۱۳۸۵)، *آرمانشهر در تاریخ اندیشه غرب*، مترجم: عباس باقری، تهران، نشرنی.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۱)، *تاریخ در ترازو*، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.
- سروری مجد، علی، (۱۳۹۳)، *امامت و جامعه آرمانی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- شاه سنی، شهرزاد، (۱۳۷۷)، «*دادپرو دیار، آرمان شهر نظامی گنجوی*»، کیهان فرهنگی، ش ۱۴۸، آذر و دی.
- شولت، یان آرت، (۱۳۸۲)، «*عدالت در عصر جهانی شدن*»، مترجم: مسعود کرباسیان، باشگاه اندیشه.
- صدر، سید محمد (۱۴۲۵ق)، *موسوعه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه*، قم، انتشارات ذوی القربی.
- صدر، سید محمد باقر، (۱۴۰۲ق)، *اقتصادنا*، بیروت، دارالتعارف المطبوعات.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۷۴)، *تاریخ اندیشه سیاسی در غرب*، تهران، قومس.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۳۷۹)، *معجم الکبیر*، بغداد، وزارة الاوقاف.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، تحقیق: تهرانی، عباد الله و ناصح، قم، دار المعارف الإسلامیه.
- عارف حسینی، سید محمد (۱۳۸۲)، *نیک شهر قدسی*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- قوامی، سیدصمصام الدین (۱۳۸۳)، «*مدیریت، عدالت، مهدویت*»، انتظار، ش ۱۴.
- کارگر، رحیم (۱۳۸۳)، *آینده جهان*، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، *عیون الحکم والمواعظ*، تحقیق: حسنی بیرجندی، قم، دارالحديث.
- ماکیاولی، نیکولو (۱۳۸۸)، *گفتارها*، مترجم: محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی.
- مانهایم، کارل (۱۳۸۰)، *ایدئولوژی و اتوپیا*، مترجم: فریبرز مجیدی، تهران، سمت.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۶)، آموزش عقاید، قم، موسسه امام خمینی رحمته الله علیه.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱)، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۱)، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵) یادداشت‌ها، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵)، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
- مقدسی الشافعی، یوسف بن یحیی علی بن عبدالعزیز (۱۴۱۶ق)، عقد الدرر فی اخبار الممتظر، نشر نصایح، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی، (۱۳۵۴)، المبدأ والمعاد، تهران، انجمن حکمت و فلسفه.
- ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی، (۱۳۸۳)، شرح أصول الکافی، محقق خواجه‌ای، محمد، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی، (۱۳۸۳)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- موحدیان عطار، علی (۱۳۸۸)، گونه‌شناسی اندیشه منجی‌درادیان، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- مور، تامس (۱۳۶۷)، آرومان شهر، مترجم: داریوش آشوری و نادرا افشاری نادری، تهران، خوارزمی.
- هابز، توماس، (۱۳۸۰)، لویاتان، مترجم: حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- هادوی تهرانی، مهدی، (۱۳۷۸)، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، قم، مؤسسه فرهنگی خانه خرد.
- هاشمی شهیدی، سید اسدالله، (۱۳۸۰)، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، قم، مسجد مقدس جمکران.
- هورتن، جان، (۱۳۸۴)، الزام سیاسی؛ مترجم: محمدسلامی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

